

معناشناسی واژه اب در آیات ۷۴ انعام و ۷۸ حج با رویکرد ریشه‌شناسی در زبان‌های سامی

مرضیه اسرافیلی^۱

سید حسین سید موسوی^۲

علی رضا آزاد^۳

شهلا شریفی^۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۳/۱۸، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۶/۱۶، صفحه ۲۲۳ تا ۲۴۳ (مقاله پژوهشی)

چکیده

واژه «اب» ۴۶ مرتبه به صورت مفرد در قرآن به کار رفته است. مفسران شیعه و سنی در دو آیه ۷۴ انعام و ۷۸ حج، در خصوص معنای آن دیدگاهی متفاوت دارند. برخی از آنها اب در آیه ۷۴ انعام را به معنای عم یا جد پدری و مادری و در آیه ۷۸ حج به معنای جد و پدرروحانی دانسته‌اند. از آنجا که این دسته از مفسران اغلب بدون توجه به ظرافت‌های معنایی و گاهی با دخالت دادن برخی پیش‌فرض‌ها دست به تفسیر زده‌اند، در این مقاله با استفاده از روش ریشه‌شناسی زبان‌های سامی، در پی آن هستیم تا به معنایی دقیق از واژه در این دو آیه دست یابیم. با پی‌جویی ریشه اب در زبان‌های سامی-حامی، عربی، عبری، اکدی، سریانی، آرامی، سبئی، حبشی به وجود اشتراک معنوی در این واژه و ۱۴ معنا دست یافتیم که معنای محوری آن ایجادکردن، قدرت داشتن و محور بودن است. سپس با استناد به قرائنی جهت تعیین مناسب‌ترین معنای حاصل از ریشه‌شناسی، به معنای بزرگ و رئیس قوم در آیه ۷۴ انعام و معنای بنیانگذار و مؤسس در آیه ۷۸ حج دست یافتیم.

کلیدواژه‌ها: معناشناسی تاریخی، ریشه‌شناسی، زبان‌های سامی، اب، آیه ۷۴ انعام، آیه ۷۸ حج، مفسران متقدم و متأخر.

^۱ دانشجوی دکتری مدرسی معارف اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.

m.esrafil.40@gmail.com

^۲ دانشیار گروه معارف اسلامی دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، (نویسنده مسئول).

shmosavi@um.ac.ir

^۳ استادیار گروه آموزشی علوم قرآن و حدیث دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد.

alirezaazad@um.ac.ir

^۴ دانشیار گروه آموزشی زبان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد.

sh-sharifi@ferdowsi.um.ac.ir

درآمد

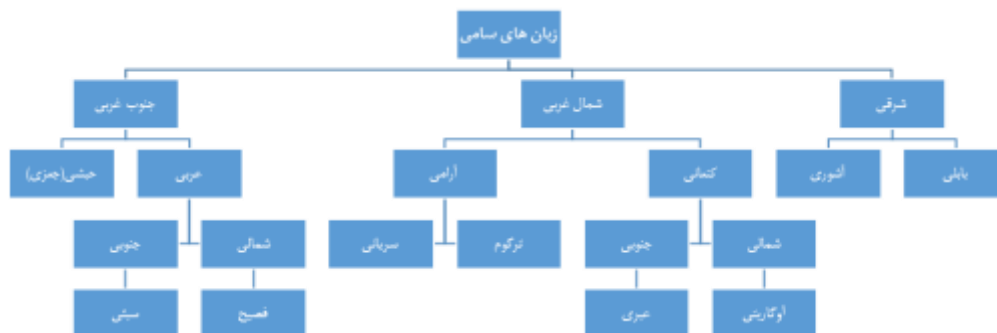
از مهم‌ترین مباحث در معناشناسی تاریخی، ریشه‌شناسی یا اتیمولوژی است. اتیمولوژی، واژه‌ای یونانی است که از لاتین به فرانسه راه یافته است. اتیمون در یونان باستان یعنی «معنی حقیقی واژه»، که به بررسی تاریخ واژه به لحاظ لفظ و معنی می‌پردازد (پالمر، ۱۳۸۱ ش، ۱۳-۳۵؛ گیرتس، ۱۳۹۸ ش، ۳۸-۳۱؛ ابوالقاسمی، ۱۳۸۵ ش، ۱۱-۱۲). مطالعه تاریخی واژگان با استفاده از روش ریشه‌شناسی، به ویژه در متون مقدس و آسمانی، که قرآن سرآمد آنهاست، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

از آنجا که ریشه‌شناسی با استفاده از وجود اشتراکات میان برخی زبان‌ها و تعلق یک زبان به خانواده زبانی بزرگ‌تر به بررسی تاریخی و سیر تحول یک واژه می‌پردازد؛ جهت فهم دقیق واژگان قرآن که به زبان عربی نازل شده، شناخت خانواده زبان‌های سامی^۲ که زبان عربی به آن تعلق دارد، دارای اهمیت است. با مطالعه این خانواده زبانی ضمن آشنایی با تمدن و آداب و رسوم اقوام گذشته، به احکام و قوانین زبانی دست می‌یابیم که در صورت بسندگی به زبان عربی به آنها دست نخواهیم یافت.

عنوان خانواده زبان‌های سامی نخستین بار توسط خاورشناس شولتز (۱۷۸۱) مطرح شد. او تمامی ملت‌هایی را که پس از توفان نوح به آبادانی زمین پرداختند به سه فرزند نوح، «حام، سام، یافث» ارجاع داد و ملاکش در این دسته‌بندی تقسیمات جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی و طبیعی بود (مشکور، ۱۳۵۷ ش، ۱/ ۱۵؛ عبدالتواب، ۱۳۶۷ ش، ۳۳-۳۴). زبان‌های سامی به خانواده بزرگ‌تری از زبان به نام آفروآسیایی^۳ یا زبان حامی - سامی تعلق دارند. زبان آفروآسیایی به مجموعه زبان‌های مصری باستان، بربری، چادی، کوشی و برخی زبان‌های آفریقای شمالی و شرقی اطلاق می‌شود (ولفنسون، ۱۳۴۸ ق، ۶-۴؛ فهمی حجازی، بی تا، ۱۶۵).

زبان‌های سامی به طور کلی به دو شاخه شرقی و غربی تقسیم می‌شوند و زبان سامی غربی نیز به دو شاخه غربی شمالی و غربی جنوبی تقسیم می‌گردد. نمودار زیر خویشاوندی زبان‌های سامی را نشان می‌دهد (عبدالتواب، ۱۳۶۷ ش، ۴۳).

-
1. Etymologi
 2. Semitic language family
 3. Schlözer
 4. Afro-Asiatic



طرح مسئله

واژه آب و مشتقات آن شامل تشبیه، جمع، مضاف در ۱۰۴ آیه از ۳۷ سوره قرآن، ۱۱۷ مرتبه تکرار شده است. این واژه ۴۶ مرتبه به صورت مفرد به کار رفته و بالاترین بسامد آن به صورت مفرد در سوره یوسف است. از میان ۴۶ آیه که واژه در آنها به صورت مفرد به کار رفته است، مفسران در دو آیه ۷۸ حج و ۷۴ انعام در خصوص معنای آب دیدگاهی متفاوت بیان نموده‌اند. برخی از آنها آب در آیه ۷۴ انعام را به معنای عم یا جد پدری و مادری و در آیه ۷۸ حج به معنای جد و پدر روحانی دانسته‌اند. این دسته از مفسران اغلب بدون توجه به ظرافت‌های معنایی و گاهی با دخالت دادن برخی پیش‌فرض‌ها دست به تفسیر زده‌اند.

در این میان گرایش مذهبی مفسر تأثیر زیادی داشته‌است. اغلب مفسران شیعه در آیه ۷۴ انعام، با در نظر گرفتن این پیش‌فرض اعتقادی که اجداد پیامبر اکرم (ص) موحد هستند برای آب معنای ذکر کرده‌اند در حالی که این پیش‌فرض فقط در تعداد محدودی از مفسران اهل سنت دیده می‌شود. نخستین کسانی که به توضیح در خصوص واژه آب پرداختند لغویون و نحوویون بودند. در میان لغویون احمد فراهیدی از نخستین کسانی است که به بحث درباره آب پرداخته است. او در کتابش با عنوان *العین*، با سه حرفی دانستن ریشه این واژه به تبیین معانی و صورت‌های فعلی آن اشاره نموده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۱/ ۵۰-۵۱، ۸/ ۴۱۹).

پس از او نیز سایر لغویون به نقل دیدگاه‌های مختلف و بیان دیدگاه خود در خصوص ساخت واژه و معانی آن پرداختند. در میان نحوویون نخستین کتاب نحوی مدون مربوط به سیبویه با نام *الکتاب* است. او در کتابش به توضیح در خصوص علت سه حرفی دانستن واژه پرداخته است (سیبویه،

۱۴۱۲ق، ۳/ ۳۵۹). با رواج مباحث کلامی، بزرگان شیعه (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ۱۱۰؛ علامه حلی، ۱۹۸۲م، ۱۵۹-۱۶۰) و اهل سنت (تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ۵/ ۶۱؛ کتانی، بی تا، ۱۹۰) در بحث از عصمت پیامبران این پیش فرض را مطرح کردند که اجداد تمامی پیامبران و از جمله پیامبر اکرم (ص) همگی موحد هستند. همین امر موجب گردید که برخی مفسران با توجه به این پیش فرض در آیاتی چون ۷۴ انعام در خصوص واژه آب دیدگاهی متفاوت داشته باشند.

امروز نیز در خصوص واژه آب نوشته‌های پراکنده‌ای در برخی سایت‌ها و صفحات شخصی می‌توان یافت که آنها نیز دیدگاه لغویون و مفسران را ذکر کرده‌اند. به عنوان نمونه در سایت راسخون به آدرس (www.rasekhoon.net) جمعی از نویسندگان، به معناشناسی لغوی و تفسیری آب و والد پرداخته‌اند یا محمود عبایی در سایت شخصی خود در نوشتاری با عنوان «هویت آزر در قرآن»، با محور قرار دادن آیه ۷۴ انعام به نقل مختصر از دیدگاه مفسران در خصوص معنای «آزر» و آب پرداخته سپس با استناد به سیاق سایر آیات مربوط به داستان حضرت ابراهیم (ع) نتیجه گرفته آب، که در قرآن از او به نام آزر یاد شده پدر ابراهیم (ع) است.

در مقاله‌ای از ناصحی، محمد؛ مروّجی، لیلاداد؛ واژه‌شناسی خویشاوندی در قرآن (پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، بهار و تابستان ۱۳۹۸، شماره ۱۴)؛ نویسندگان ۱۴ واژه در حوزه خویشاندی را مورد مطالعه قرار داده‌اند که صرفاً به میزان کاربرد، معنای این واژگان نزد لغویون و نیز در مواردی به بیان دیدگاه مفسران پرداخته‌اند. از جمله واژگان مورد توجه آنها پدر، مادر و اقارب است. آنها با توجه به اینکه آیا پدر و مادر جزو اقارب محسوب می‌شود یا خیر به بررسی دایره اقارب و ارحام پرداخته‌اند (پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن، بهار و تابستان ۱۳۹۸، شماره ۱۴، ۲۱۶-۲۱۸). با توجه به آنچه گذشت تاکنون پژوهشی معناشناسانه از واژه آب صورت نگرفته است.

از آنجا که مطالعه ریشه‌شناختی و تحلیل واژگانی در برداشت‌های قرآنی سبب افزایش دقت می‌شود در این مقاله با استفاده از روش ریشه‌شناسی زبان‌های سامی در پی آن هستیم تا به معنایی دقیق از واژه در این دو آیه دست یابیم. سؤالات اساسی این مقاله عبارت است از: اولاً، مفسران چه دیدگاهی در خصوص معنای آب در دو آیه ۷۴ انعام و ۷۸ حج دارند؟ ثانیاً، داده‌های لغوی، نحوی و ریشه‌شناسی در زبان‌های سامی چه معنا یا معانی برای این واژه به دست می‌دهد؟ ثالثاً، کدام معنای حاصل از ریشه‌شناسی در دو آیه مورد نظر قابل استفاده است؟ برای این منظور ابتدا به بررسی دیدگاه مفسران در خصوص معنای این واژه در دو آیه ۷۸ حج و ۷۴ انعام پرداختیم.

از آنجا که گذشت زمان و نیز مذهب و گرایش مفسر می‌تواند در نوع نگاه او تأثیر داشته باشد برای دستیابی به نگاهی دقیق و جامع از تفاوت دیدگاه مفسران در خصوص معنای آب ذیل دو آیه مذکور، تفاسیر شیعه و سنی متقدم (سده ۱-۵ق) و تفاسیر شیعه و سنی متاخر (۱۱-۱۵) را مورد بررسی

قرار دادیم، که بر اساس نرم افزار جامع تفاسیر نور ۱۵۰ تفسیر بود. سعی نمودیم دیدگاه اکثر مفسران را در مقاله منعکس کنیم اما عدم استناد به برخی تفاسیر یا به دلیل نپرداختن مفسر به تفسیر آن آیه بوده یا تفسیر او از نوع پراکنده و تنها شامل برخی سوره و آیات بوده است یا به جهت آنکه چند مفسر دیدگاهی یکسان داشتند تنها به ذکر ۳ مورد از آنها اکتفا کردیم. سپس داده‌های ریشه‌شناسی در خصوص این واژه در زبان‌های سامی مورد بررسی قرار گرفته و با تحلیل و دسته‌بندی آنها و استناد به برخی قرائن، معنای آب در دو آیه مشخص گردیده است.

۱. دیدگاه مفسران در خصوص معنای آب در دو آیه ۷۴ انعام و ۷۸ حج

وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَزْرَأُ تَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أُرَاكَ وَ قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (انعام/۷۴)
و [یاد کن] هنگامی را که ابراهیم به پدر خود آزر گفت: «آیا بتان را خدایان [خود] می‌گیری؟
من همانا تو و قوم تو را در گمراهی آشکاری می‌بینم.»

وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَ مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مَلَّةً أُولَئِكَ
إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيداً عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ
عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ
(حج/ ۷۸) و در راه خدا چنان که حق جهاد [در راه] اوست جهاد کنید، اوست که شما را
[برای خود] برگزیده و در دین بر شما سختی قرار نداده است. آیین پدرتان ابراهیم [نیز چنین
بوده است] او بود که قبلاً شما را مسلمان نامید، و در این [قرآن] نیز همین مطلب آمده است [تا
این پیامبر بر شما گواه باشد و شما بر مردم گواه باشید. پس نماز را برپا دارید و زکات بدهید
و به پناه خدا روید. او مولای شماست؛ چه نیکو مولایی و چه نیکو یآوری.

به طور کلی در نگاه مفسران نسبت به معنای واژه آب ذیل دو آیه ۷۴ انعام و ۷۸ حج، ۳ دیدگاه
تمایز از هم وجود دارد. برخی بر این نظرند که معنای آب عمو است، برخی نیز معنای آن را جد و
نیز پدر روحانی دانسته‌اند. مفسران برای اثبات ادعای خود ذیل آیه ۷۴ انعام که آب را به معنای عم یا
جد پدری و مادری دانسته‌اند، رویکردی کلامی داشته و بر این اساس ادله‌ای ذکر می‌کنند؛ اما در آیه
۷۸ حج که معنای آب را جد یا پدر روحانی می‌دانند نگاهی کلامی ندارند. در ادامه به بررسی هر کدام
از این دیدگاه‌ها و استدلال مفسران شیعه و سنی در خصوص معنای واژه آب می‌پردازیم.

الف) دیدگاه و استدلال مفسران شیعه در آیه ۷۴ انعام

دیدگاه بیشتر مفسران شیعه بر این است که آب در این آیه به معنای عم یا جد مادری ابراهیم (ع)
است. تفکیک دیدگاه آنها به این صورت است که برخی از مفسران متقدم آب را به معنای عمو
دانسته‌اند (قمی، ۱۳۶۳ ش، ۱/۲۰۶؛ عیاشی، ۱۳۸۰ ق، ۱/۳۶۲). برخی دیگر از متقدمین (طوسی، بی‌تا،
۴/ ۱۷۶) به معنای جد مادری یا عمو. برخی از مفسران متأخر (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ ق، ۲/ ۱۳۱؛

حویزی، ۱۴۱۵ق، ۷۲۹/۱؛ قمی مشهدی، ۱۳۶۸ش، ۴/ ۳۵۹) نیز آن را به معنای جد مادری یا عمو دانسته‌اند. برخی لفظ آب در این آیه را به معنی حقیقی خود مستعمل ندانسته و معتقدند مراد از آن اعم است (اشکوری، ۱۳۷۳ش، ۱/ ۷۷۹). برخی از متأخرین بر عمو بودن تصریح دارند (شبر، ۱۴۱۰ق، ۱۵۷؛ مدرسی، ۱۴۱۹ق، ۳/ ۱۱۰).

برخی آن را جد مادری دانسته و با این استدلال که اطلاق آن بر آب به نحو حقیقت و بر عمو به نحو مجاز است، آن را معنای حقیقی آب در این آیه می‌دانند (نهایندی، ۱۳۸۶ش، ۲/ ۵۰۲). برخی چون طباطبایی با تصریح به اینکه آب در آیه به معنای پدر حقیقی ابراهیم (ع) نیست معتقد است این واژه در آیه دارای وسعت است و می‌تواند بر جد، عمو، همسر، متولی امور و هر بزرگ قابل اطاعت، دلالت کند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۷/ ۱۶۴). برخی دیگر آن را صرفاً به معنای عمو دانسته و معتقدند که اگر آب و جد مادری باشد باز هم والد است و نقض غرض در عصمت خواهد شد (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ۱۰/ ۹۷). برخی با این توضیح که لفظ والد در معنای پدر بودن صراحت دارد ولی آب این‌گونه نیست، آب را به معنای عم یا جد مادری دانسته‌اند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ش، ۵/ ۳۰۵).

با توجه به اینکه نسل پیامبر اکرم (ص) به ابراهیم (ع) می‌رسد این دسته از مفسران با در نظر گرفتن این پیش‌فرض اعتقادی که آباء پیامبر اکرم (ص) موحد هستند و ایشان از اصلاّب مطهر است و چون واژه آب در این آیه، کنار واژه آزر قرار گرفته که قرآن او را فردی بت پرست معرفی نموده است، از این رو مشرک بودن پدر ابراهیم (ع) با پیش‌فرض مذکور، در تعارض خواهد بود و معنای آب در این آیه پدر صلبی نخواهد بود. آنها برای اثبات ادعای خود به دلایل قرآنی، روایی، اجماع و تاریخی استناد کرده‌اند. آیات قرآنی مورد استناد آنها عبارت است از آیه (توبه/ ۲۸) «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، حقیقت این است که مشرکان ناپاک‌اند.

آیات (ابراهیم/ ۳۹-۴۱) «رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدِي وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ» پروردگارا، روزی که حساب برپا می‌شود، بر من و پدر و مادرم و بر مؤمنان بخشای. آیه (بقره/ ۱۳۳) «أَمْ كُنتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا تَعْبُدُونَ مِنْ بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ» آیا وقتی که یعقوب را مرگ فرا رسید، حاضر بودید؟ هنگامی که به پسران خود گفت: «پس از من، چه را خواهید پرستید؟» گفتند: «معبود تو، و معبود پدرانت، ابراهیم و اسماعیل و اسحاق - معبودی یگانه - را می‌پرستیم؛ و در برابر او تسلیم هستیم»

آیات (ابراهیم/ ۳۹-۴۱) مربوط به اواخر عمر ابراهیم (ع) است که برای والدین خود طلب مغفرت می‌کند مفسران از این آیه چنین برداشت کرده‌اند که والد ابراهیم (ع) غیر از آب در سایر آیات مربوط به داستان ابراهیم (ع) است. آنها برای اثبات ادعای خود به آیه (توبه/ ۱۱۳) «مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ آمَنُوا

أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ» استناد می‌کنند که طلب استغفار برای مشرک را جایز نمی‌دانند. و معتقدند آن‌که در داستان ابراهیم (ع) از او با عنوان آب یاد شده مشرک بوده است و پدر صلیبی ابراهیم (ع) نیست. در آیه (بقره/ ۱۳۳) نیز از اسماعیل، عموی یعقوب، با عنوان اب (آباء) یاد شده است.

روایت مورد استناد آنها این روایت از رسول اکرم (ص) که می‌فرماید: «نُقِلْتُ مِنْ أُصْلَابِ الطَّاهِرِينَ إِلَى أَرْحَامِ الطَّاهِرَاتِ، لَمْ يَمَسِّنِي سِفَاحُ أَهْلِ الْجَاهِلِيَّةِ» این روایت با الفاظ متفاوت در برخی دیگر از منابع شیعه (مفید، ۱۴۱۴ق، ۱۴۰؛ طوسی، ۱۴۱۴ق، ۱۸۳؛ حلی، ۱۹۸۲م، ۱۶۱) نیز ذکر شده است. در این روایت، پیامبر، نسب خود را از اجداد پاک و مطهر معرفی نموده که هیچ کدام مشرک نبوده‌اند. به لحاظ تاریخی نیز آنها با استناد به سخن مورخانی که نام پدر ابراهیم (ع) را تَرَحْ دانسته‌اند آن را با نام‌گذاری او به آزر در تعارض می‌دانند.

برخی مفسران نیز با استناد به ظاهر آیه، آب را به عنوان پدر صلیبی و آزر را پدر حقیقی ابراهیم (ع) دانسته‌اند (سبزواری، ۱۴۰۶ق، ۳/ ۵۱). برخی دیگر با این استدلال که مقام نبوت و هدایت، فراتر از علاقه پدر و پسری است و آن را مانع از این نمی‌دانند که فرزندی پدرش را به خاطر شرک سرزنش نماید و در صدد هدایت او باشد آب را به معنای پدر صلیبی ابراهیم (ع) دانسته‌اند (فضل الله، ۱۴۱۹ق، ۹/ ۱۷۸). برخی معتقدند که آنچه در این خصوص مهم است ایمان به پیامبر اکرم (ص) و اعتقاد به عصمت ایشان است، اما ایمان به موحد بودن تمام اجداد ایشان یا اعتقاد به اینکه آزر عموی اوست نه پدرش، موجب بطلان عقیده در اسلام نیست (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ۳/ ۲۱۳).

ب) دیدگاه و استدلال مفسران اهل سنت در آیه ۷۴ انعام

برخی از مفسران اهل سنت (شعراوی، ۱۹۹۱م، ۶/ ۳۷۳۴) با استناد به آیه (بقره/ ۱۳۳) و این ارتکاز عرفی که وقتی کسی بخواهد از پدر دیگری بپرسد نام او را نمی‌آورد مگر آن‌که از آن عم یا جد را اراده کرده باشد، آزر را عموی ابراهیم دانسته‌اند. برخی دیگر (نووی، ۱۴۱۷ق، ۱/ ۳۲۷) نیز برای پدر ابراهیم (ع) دو نام آزر و تَرَحْ، قائل هستند اما بر این مطلب نیز تأکید دارند که نسب پیامبر تنها تا زمانی که نور محمدی در صلب آنهاست از عبادت بت‌ها پاک هستند اما پس از انتقال این نور، هر نوع کفری از آنها جایز است. برخی با استناد به قول انساب که نام پدر ابراهیم (ع) را تَرَحْ، دانسته‌اند معتقدند داشتن دو اسم برای یک فرد غیر ممکن است و آزر را لقب پدر ابراهیم (ع) می‌دانند (طبری، ۱۴۱۲ق، ۷/ ۱۵۹).

برخی دیگر با استناد به ظاهر آیه ۷۴ انعام، آزر را پدر حقیقی ابراهیم (ع) دانسته و معتقدند که عرف عرب به انساب و فرزندان ابراهیم (ع) توجه ویژه داشتند (ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ۶/ ۱۶۹). برخی آزر را پدر ابراهیم (ع) دانسته نه عموی ایشان و آن را صحیح‌ترین قول می‌دانند (آل غازی، ۱۳۸۲ق،

۳/ ۳۶۲). برخی آزر را لقب پدر ابراهیم (ع) و نام مشهور او در بین قومش دانسته و معتقدند که دلیلی بر عدم کفر اجداد پیامبر اکرم (ص) وجود ندارد (میدانی، بی تا، ۱۱/ ۳۰۵). برخی نیز تصریح دارند که بدون شک نام پدر ابراهیم (ع) آزر بوده است (خطیب، ۱۴۲۴ق، ۴/ ۲۲۰).

برخی معتقدند که سرزنش پدر توسط فرزند به خاطر خدا اشکال ندارد، همان گونه که ابراهیم (ع) پدرش را گمراه خطاب کرد، از سوی دیگر او در آن وقت رسول نبوده و بعد از آن به مقام نبوت رسیده است (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ۴/ ۱۲۹). برخی دیگر با این استدلال که مقام نبوت و هدایت، فراتر از علاقه پدر و پسری است و آن را مانع از این نمی دانند که فرزند پدرش را به خاطر شرک سرزنش نماید و در صدد هدایت او باشد آب را به معنای پدر صلبی ابراهیم (ع) دانسته اند (رشید رضا، ۱۴۱۴ق، ۷/ ۵۵۴؛ قطب، ۱۴۲۵ق، ۲/ ۱۱۳۹).

پ) دیدگاه و استدلال مفسران شیعه و اهل سنت در آیه ۷۸ حج

مفسران در خصوص معنای آب در آیه مذکور دیدگاهی متفاوت دارند. برخی معتقدند اگرچه نسب همه مسلمین به ابراهیم (ع) نمی رسد اما حرمت ایشان مانند حرمت والد بر ولد است (طبرانی، ۲۰۰۸م، ۴/ ۳۵۸؛ ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ۷/ ۳۶). برخی دیگر معتقدند همه مسلمین به لحاظ نسب به ابراهیم (ع) می رسند و از این جهت حرمت ایشان مانند والد بر ولد است (طوسی، بی تا، ۷/ ۳۴۴). برخی از آن جهت که ابراهیم (ع) جد پیامبر اکرم (ص) است و نیز اکثر عرب از ذریه ایشان هستند ایشان را پدر امت و سبب حیات ابدی می دانند (خفاجی، ۱۴۱۷ق، ۶/ ۵۵۲؛ مشهدی، ۱۳۶۸، ۹/ ۱۴۶؛ حقی برسوی، بی تا، ۶/ ۶۵).

برخی دیگر ایشان را پدر حقیقی انبیاء و پدر روحانی اهل ادیان آسمانی می دانند (مغنیه، ۱۴۲۴ق، ۵/ ۳۵۲). برخی ایشان را به جهت آنکه اولین مسلمان بوده و پیروانش نیز به او منتسب هستند پدر امت می دانند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ۱۴/ ۴۱۲). برخی از آن جهت که عرب از نسل اسماعیل و عجم از نسل اسحاق هستند و آن دو نیز از فرزندان ابراهیم (ع) هستند ایشان را پدر مسلمین و حرمت او را مانند حرمت والد بر ولد می دانند (سبزواری، ۱۴۱۹ق، ۳۴۶). برخی اطلاق پدر به ابراهیم (ع) را یا از جهت اینکه که نسل اکثر عرب به ایشان می رسد یا به خاطر حرمت و بزرگی او می دانند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱، ۱۴/ ۱۸۳).

برخی معتقدند اگر خطاب را به همراهان پیامبر بدانیم، از آن جهت که بیشتر عرب آن روز از قبیله مضر بودند در حقیقت نسب آنها به ابراهیم (ع) می رسد. اما اگر خطاب به عموم مسلمین باشد از آن جهت که ایشان جد پیامبر اکرم (ص) است حرمت او بر مسلمین واجب است (ابن عاشور، ۱۳۲۰ق، ۱۷/ ۲۵). برخی نیز با این توضیح که در مخاطبین به بنوه اختلاف است به نام برخی از قبایلی که در نسب به ابراهیم (ع) می رسد ذکر کرده اند (جرجانی، ۱۴۳۰ق، ۲/ ۳۴۳). برخی معتقدند چون ایشان

پدر پیامبر اکرم (ص) است از این جهت پدر امت ایشان محسوب می‌شود (ابن عجبیه، بی‌تا، ۳/۵۵۸؛ طنطاوی، ۱۹۹۷م، ۳۴۸/۹؛ زحیلی، ۱۴۱۱ق، ۱۷/۲۸۸).

برخی دیگر معتقدند اگرچه ابراهیم (ع) پدر برخی از عرب است اما به این جهت که بانی کعبه بوده موجب شوکت عرب است و نیز چون پدر بالفعل قریش است که ابتدای دعوت پیامبر اکرم (ص) در دعوت او بوده دارای حرمت است (ابوزهره، بی‌تا، ۹/۵۰۳۷). برخی دیگر با استناد به آیات (ابراهیم/ ۳۵-۴۱) و آیات (بقره/ ۱۲۷-۱۲۹) تصریح دارند که خطاب صرفاً به عربی است که نسلشان به ابراهیم (ع) می‌رسد چون ذکر اسماعیل در این آیات در کنار ابراهیم (ع) مانع از انصراف به غیر عرب است (دروزه، ۱۴۲۱ق، ۶/۷۹). برخی ابوه را هم به جهت نسبت و هم به جهت روحی دانسته‌اند و با توجه به عبارت صدر آیه معتقدند که حق جهاد و اجتناء در حق همه صادق نیست لذا خطاب را صرفاً به پیامبر اکرم (ص)، ائمه طاهرین و نه تمام امت ایشان و نه تمام ذریه ابراهیم (ع) می‌دانند (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق، ۲۰/۱۸۷).

۲. ساخت واژه و داده‌های ریشه‌شناسی آب

از جمله مشابهت‌ها میان زبان‌های سامی، اشتراک آنها در برخی از اسماء است که از این میان می‌توان به واژه آب اشاره نمود. (برجستراسر، ۱۹۹۴م، ۲۰۸)

الف) دیدگاه لغویون و نحویون عرب در خصوص ساخت واژه

لغویون و نحویون عرب، اصل و ریشه این واژه را سه حرف آب و دانسته‌اند و دلیل خود را بازگشت لام الفعل در هنگام جمع و تثنیه ذکر می‌کنند. از جمله این لغوی‌ها می‌توان به (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ۱/۵۰-۵۱؛ جوهری، ۱۳۷۶ق، ۶/۲۲۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ۱۴/۶) و از جمله نحویون به (سیرافی، بی‌تا، ۱۱۲/۴؛ استرآبادی، ۱۹۷۵م، ۱/۷) اشاره نمود. برخی از آنها نیز این اسم را در اصل از فعل آب می‌دانند که اغلب کاربرد آن در اشعار نقل شده است (ازهری، ۱۴۲۱ق، ۱۵/۴۳۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۱/۴۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۵۸).

ازهری صورت‌های فعلی این واژه را در کتابش چنین نقل نموده است: «قال ابن السکیت: يقال: أبوت الرجل أبوه، إذا كنت له أباً. أبو عبيد: تأبیت أباً، أي اتخذت أباً، الليث: يقال: فلان يابو هذا اليتيم إباوة، أي: يغذوه كما يغذو الوالد ولده...» (ازهری، ۱۴۲۱ق، ۱۵/۴۳۱). چنان‌که ملاحظه می‌شود معنای پدر شدن به تدریج در این واژه به معنای سرپرستی و تغذیه کردن گسترش یافته است. این واژه همچنین در باب استفعال «استأباه» نیز به ندرت به کار رفته است (موسوی بجنوردی، ۱۳۶۷ش، ۲/۲۹۵-۲۹۶).

ب) دیدگاه زبان‌شناسان و مستشرقان در خصوص ساخت واژه

آنچه مستشرقان و زبان‌شناسان سامی درباره این دسته از زبان‌ها ذکر نموده‌اند آن است که اصل و

ریشه در برخی کلمات به ویژه در اسماء دوحرفی است (ولفنسون، ۱۹۲۹م، ۱۴-۱۶؛ فهمی حجازی، بی تا، ۹۶-۹۸؛ بروکلیمان، ۱۹۷۷م، ۹۳). برخی از آنها اسامی دو حرفی را به دو گروه تقسیم کرده‌اند یک گروه از اسامی دو حرفی که هیچ شباهتی با اسامی سه حرفی ندارند مانند واژه «ابن» که ریشه آن دو حرف ب ن است. گروه دیگر از اسامی دو حرفی که مشابه اسامی سه حرفی هستند مانند واژه آب که ریشه آن سه حرف ا ب و دانسته شده که در این مورد گفته‌اند یا واقعا شباهتی میان آنهاست یا اینکه واقعا سه حرفی هستند (O'Leary, 1923, 176-177).

پ) داده‌های ریشه‌شناسی

در زبان عربی از شاخه غربی-جنوبی زبان‌های سامی، این ریشه به معنای تربیت و تغذیه دانسته شده است. از این رو به والد و هر آنچه سبب ایجاد، اصلاح یا ظهور شیء باشد آب گفته می‌شود که از جمله می‌توان به پیامبر، معلم و عمو اشاره نمود (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ۱/ ۴۴؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۵۷؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ۴/ ۳۱۵).

در زبان اکدی از شاخه شرقی، /abu(m)/ به معنای پدر، پدر و مادر، جد، خدا، رئیس، فرمانده، سرپرست و /abi(m)/ به معنای پدر بزرگ و پدرزن آمده است (Black, 2000, 65, 21, 3). در کنعانی جنوبی از شاخه غربی-شمالی که به زبان عبری معروف است، /abu/ به معنای پدر، خدا، هادی، راهنما، ایجاد کننده، مؤسس، رئیس و بزرگ قبیله، پدر بزرگ و جد اعلا، ایجاد کننده مهارت و هنر، مولد و ژنراتور، حمایت و خیرخواهی، احترام و بزرگداشت، حاکم و فرمانده آمده است (Gesenius, 1939, 3).

در زبان آرامی از سامی غربی - شمالی، «Ab» پنجمین ماه تقویم یهودی است که به روزهای تشنگی معروف است این روزها از ۶ جولای تا ۷ آگوست و ۶ آگوست تا ۵ سپتامبر است. همچنین /ab/ به معنای پدر، خالق، معلم، پدر بزرگ، رئیس، فرمانده، جد اعلی، مؤسس بنیانگذار و «abba» به معنای عالم و دانشمندی که درجه او از فقیه پایین‌تر است آمده است (Jastrow, 1903, 1-2). در زبان سریانی از مهم‌ترین گویش‌های آرامی، /abba/ به معنای پدر، راهب، پدر روحانی، رئیس، میوه، ثمره، نتیجه، //abiha/ و //abihata/ به معنای پدر و مادر، آباء و اجداد، /abota/ به معنای سرپرستی، حمایت، قیومیت آمده است (Costaz, 2002, 1).

در زبان حبشی از شاخه غربی-جنوبی، که به زبان جعزی یا گعزی معروف است /ab/ و /abbā/ به معنای پدر، اسقف، راهب، پنجمین ماه تقویم یهودی، /abaw/ به معنای پدر و مادر و پدر بزرگ، /aba/ و /abaw/ به معنای ریش سفید و بزرگ خاندان، رئیس خانواده، /abuna/ به معنای بزرگ کلیسا آمده است (Leslau, 1991, 2). همچنین در زبان سبئی از همین شاخه، /bw/ به معنای والد، جد، پدر و /bwt/ به معنای آباء، اجداد و اسلاف آمده است (Beeston, 1982, 1).

زبان آفروآسیایی، و در حامی-سامی باستان، /^{ab}/ به معنای پدر، در مصری باستان /^{ab}/ به معنای پدر و مادر، فامیل و خویشان، در کوشی /^{ab}/ به معنای پدر و عمو آمده است (Orel, 1995, 2-3). چنانچه ملاحظه می‌شود در برخی از این زبان‌ها مانند اکدی، عبری، سریانی، حبشی در آخر واژه اب یکی از حروف «a, u, i» قرار گرفته است. با توجه به آنچه در بحث از حالات اعراب یعنی فتحه، کسره، ضمه با آوانگاری a, i, u و نحوه قرار گرفتن هر یک از آنها در آخر اسامی سامی بیان شده است (O'Leary, 1923, 195-198) به نظر می‌رسد آنچه زبان‌شناسان سامی درباره ریشه این واژه یعنی دو حرف ا و ب گفته‌اند صحیح است و حرف آخر در حقیقت یک مصوت است نه صامت. در تأیید دیدگاه زبان‌شناسان سامی می‌توان به سخن یکی از علمای نحو عرب استناد نمود. ایشان در بحث از علت اعراب اسماء سته به حروف، به وجوب اعراب این اسماء به حروف به دلیل غلبه اضافه و وجوب اضافه اشاره نموده و هر حرفی را در مقام یک حرکت از آن جنس می‌داند (واو علامت رفع، الف علامت نصب و یاء علامت جر) و این حروف را نتیجه اشباع حرکات دانسته است (ابن انباری، ۱۴۲۰ق، ۶۰-۵۸). بر این اساس شاید بتوان سخن لغویون عرب را در تشخیص بنای اسم بر مبنای بازگشت در حالت تثنیه و جمع در اسماء سته مورد توجه قرار داد.

۳. سیرتاریخی ساخت معنای واژه اب و تحلیل داده‌ها در زبان‌های سامی

الف) معنای اب در گذر تاریخ

نگاهی تاریخی به ساخت واژه اب و پیدایش معنای آن نشان می‌دهد این واژه در کاربرد پدر صلبی قدیمی‌ترین معنایی است که در زبان «نوستراتیک» (برای مطالعه درباره زبان نوستراتیک نک: نیلساز، دهقان، ۱۳۹۶ش، ۱۸۶) یافت می‌شود (Dolgopolsky, 2008, 92-93). چنان‌که ملاحظه شد پرکاربردترین معنا در زبان‌های سامی نیز همین معناست. حروف تشکیل دهنده این واژه یعنی ا و ب در مصر باستان و بابل، هرکدام براساس یک نقش‌نگاره صورت سازی شده‌اند: حرف ا از نقش نگاره سرگاوه و حرف ب از نقش نگاره چادر و خانه؛ در این فرهنگ، سرگاوه نماد قدرت، رهبری و ریاست و چادر و خانه، نماد جایی برای ریاست و رهبری است. از ترکیب دو حرف ا و ب معنای قدرت خانه‌یا تکیه‌گاه فهمیده می‌شود (Benner, 2005, 21-22, 51-52).

صورت جدید حرف ا در عبری و عربی الف یا **aleph** به ترتیب بازسازی شده نقش نگاره سرگاوه و عصای چوپان است و ترکیب ال به معنای اقتدار است. از این‌رو در بسیاری از فرهنگ‌های خاور

1. Nostratic languages
2. pictograph
3. ox head
4. house or tent
5. the strength of the house
6. shepherd staff

نزدیک^۲ ال را پرستش می‌کردند. ال در کتاب مقدس عبری^۳ به معنای خدا (الله) یا هر خدایی است (Benner, 2005, 21-22). واژه آب در قرون اولیه مسیحیت، در منابع یهودی و مسیحی برای خطاب قرار دادن خدا و در تلمود به عنوان پیشوند نام‌های عبری، برای اشاره به یک دانشمند و بزرگ‌مورد استفاده قرار گرفته است (Skolnik, 1/224-225).

برخی معتقدند عنوان آب برای اشاره به شخص خاصی به نام اسنس^۴ بوده (او از اعضای یک فرقه زاهد یهودی در قرن ۲ قبل از میلاد در فلسطین بود و گفته شده او از نویسندگان طومارهای دریای مرده است) چراکه نام‌گذاری بردگان به این عنوان ممنوع بود. تلفیق آب با پیشوند «rav» برای خاخام در بابل باعث ایجاد نام «Rabbah» و «Rava» شد و در فلسطین اشکال کوتاه شده آنها «Ba» و «Va» مورد استفاده بود. این یک نام رایج در میان یهودیان اشکنازی در اروپای شرقی و اسرائیل است که اغلب به عنوان لقب ابراهیم استفاده می‌شود. آب همچنین در زبان‌های اروپایی به عنوان یک نام کلیسایی «Abbas, Abt, Abbot» باقی مانده است و در عبری مدرن اصطلاح عبری «Av» برای اشاره به پدر مورد استفاده است (Skolnik, 1/224-225).

ب) دسته‌بندی داده‌ها

بررسی معانی حاصل از ریشه‌شناسی واژه آب نشان می‌دهد، پرکاربردترین معنا در تمام زبان‌ها، پدرصُلبی است که از این میان، دو زبان عبری و آرامی با گویش سُرّیانی از تنوع معنایی بیشتری برخوردارند.

-
1. strong authority
 2. Near Eastern cultures
 3. Hebrew Bible
 4. Essnes

ردیف	دسته بندی معانی در زبان‌های سامی	نام زبان
۱	پدر(والد)	حبشی، عربی، سبئی، آرامی، سریانی، عبری، اکدی، حامی-سامی
۲	پدر بزرگ و اجداد	اکدی، عبری، حبشی، آرامی، سریانی، سبئی، عربی
۳	مادربزرگ و پدربزرگ	حبشی
۴	پدر و مادر	سریانی، حبشی، اکدی، حامی-سامی
۵	پدر همسر(پدرزن)	اکدی
۶	همسر	عربی
۷	مؤسس و بنیانگذار، منشأ	آرامی، عبری، سریانی، عربی
۸	خدا و خالق	آرامی، عبری، اکدی
۹	نتیجه، خلاصه، ثمره	سریانی
۱۰	هادی و راهنما	عبری
۱۱	معلم	عربی
۱۲	اسقف و راهب	حبشی، سریانی
۱۳	فقیه و عالم	حبشی، آرامی
۱۴	سرپرست، قیم	سریانی، اکدی
۱۵	مدافع و حامی	سریانی، عبری
۱۶	تغذیه کننده	عربی
۱۷	عمو	حامی-سامی(کوشی)، عربی
۱۸	رئیس، فرمانده، حاکم	اکدی، آرامی، سریانی، عبری
۱۹	ریش سفید، بزرگ خاندان	حبشی، آرامی، عبری
۲۰	فامیل، خویشان و بستگان	حامی-سامی
۲۱	پنجمین ماه در تقویم یهودی	حبشی، آرامی

پ) تحلیل و بررسی داده‌ها

واژهٔ أب، مشترک معنوی و دارای ۱۴ معنا است: پدرصلبی و اجداد، خدا، مؤسس و بنیانگذار، رئیس، فرمانده، حاکم، عمو، معلم، هادی، راهنما، فقیه، عالم، راهب، همسر، سرپرست، مدافع و حامی، نتیجه، خلاصه و ثمره، فامیل و خویشان، پنجمین ماه در تقویم یهود. ارتباط معانی حاصل از ریشه‌شناسی، وجود یک جامع معنایی را در ریشهٔ این واژه نشان می‌دهد که آن معنی ایجاد کردن و قدرت داشتن و محور بودن است. همان‌گونه که در سیر تاریخی این واژه گفته شد، معنای محور بودن و قدرت داشتن در حروف این واژه وجود دارد. از این رو پرکاربردترین معنا در تمام زبان‌های سامی یعنی پدرصلبی به عنوان نماد قدرت و محور خانواده قابل توجیه است.

با تأمل در سایر معانی، به خوبی می‌توان وجه ارتباط آنها را با معنای محوری دریافت. اطلاق أب به خدا، مؤسس، فرمانده و حاکم به عنوان منشأ ایجاد و قدرت در عالم هستی. اطلاق به همسر،

سرپرست، حامی و مدافع به عنوان منشأ قدرت. اطلاق به عمو، اجداد، خویشان و فامیل به عنوان منشأ ایجاد. اطلاق به هادی، راهنما، معلم، فقیه، عالم، راهب به عنوان کسانی که صاحبان نفوذ و قدرت معنوی در هدایت و رهبری هستند. اطلاق به نتیجه، خلاصه و ثمره به عنوان وابستگان به منشأ ایجاد و قدرت. اطلاق به پنجمین ماه تقویم یهود که از آن به صورت‌های «Av»، «aviv»، «abib»، نام برده شده است.

«abib» به معنای دانه و جوانه سبز و جوان است که وجه ارتباطش با «ab» به این جهت است که برگ‌های جدید گیاه، به عنوان ثمره و محصول والدین خود به ساقه متصل شده‌اند (Skolnik, 1945, 2/713-417, Benner, 2005, 51). همچنین به نظر می‌رسد نام‌گذاری این ماه به «ab» با حرمت و عظمت این ماه نزد یهود به جهت روزه‌داری و عزاداری مرتبط باشد.

۴. تعیین معنای واژه آب در آیات ۷۴ انعام و ۷۸ حج

با توجه به اینکه واژه آب مشترک معنوی بوده و دارای ۱۴ معنا است. تعیین معنای آن در این دوآیه نیازمند قرینه است. ساختار همنشینی واژگان (استناد به ساختار همنشینی در این قسمت جهت تعیین معنای واژه در آیه مورد نظر بخشی از رساله دکتری اینجانب است)، سیرتاریخی معنای واژه و سیاق از جمله این قرائن هستند.

الف) آیه ۷۴ انعام

وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ أَرَزَأُ تَتَّخِذُ أَصْنَامًا آلِهَةً إِنِّي أُرَاكُ وَ قَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ (انعام/۷۴)
در این آیه و آیات مشابه زیر واژه آب با قوم همنشین است.
إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَائِلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ (انبیاء/ ۵۲)
إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَا تَعْبُدُونَ (شعراء/ ۷۰)
إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ (صافات/ ۸۵)
وَ إِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَ قَوْمِهِ إِنِّي بَرَاءٌ مِمَّا تَعْبُدُونَ (زخرف/ ۲۶)

این آیات مربوط به داستان حضرت ابراهیم (ع) است و در آنها مخاطب ایشان آب و قوم است. با توجه به این همنشینی و همچنین نقل تاریخی، برخی روایات و سخن برخی بزرگان در خصوص شخصیت آزر که او را در میان قوم خود صاحب نفوذ و قدرت می‌دانند (دینوری، ۱۳۶۸ش، ۸؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ۱/ ۲۳۵؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ۱/ ۹۶) و نیز آنچه در خصوص سیر تاریخی این واژه در مصر باستان و بابل به عنوان سرزمین محل تولد و رشد حضرت ابراهیم (ع) بر اساس منابع تاریخی (نک: ابن کثیر، ۱۴۰۷ق، ۱/ ۱۴۰-۱۳۹؛ بی‌ناس، ۱۳۵۴ش، ۳۲۹-۳۳۰؛ ابوخلیل، ۲۰۰۳، ۲۳-۲۶) _ گفته شد به نظر می‌رسد معنای «بزرگ قوم و رئیس» مناسب‌ترین معنای این آیه باشد.

ب) آیه ۷۸ حج

وَ جَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِلَّةَ أَبِيكُمْ
إِبْرَاهِيمَ هُوَ سَمَّاكُمُ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَ فِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَ تَكُونُوا شُهَدَاءَ
عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَ آتُوا الزَّكَاةَ وَ اعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَ نِعْمَ النَّصِيرُ
(حج / ۷۸)

با توجه به دلایلی چون سیاق آیه ۷۷ حج، ساختار همنشینی میان مِلَّةً و أَب در آیه ۷۸، و نیز کاربرد قرآنی مِلَّةً به نظر می‌رسد معنای «آبیکم» در این آیه مؤسس و بنیانگذار دین حنیف و آئین اسلام باشد و چنان‌که در ریشه‌شناسی أَب ملاحظه شد معنای مؤسس و بنیانگذار در زبان‌های سامی کاربرد داشت.

در آیه ۷۷ حج، خطاب به عموم اهل ایمان شده است «یا ایها الذین آمنوا اركعوا و اسجدوا و اعبدوا ربکم و افعلوا الخیر لعلکم تفلحون» و آیه ۷۸ نیز در همین سیاق است. از سوی دیگر در آیه ۷۸، واژه مِلَّةً و أَب در عبارت «مِلَّةً آبیکم» همنشین هستند. واژه مِلَّةً در لغت به معنای سنت و طریق (ازهری، ۱۴۲۱ق، ۱۵/ ۲۵۲) شریعت و دین (فیروزآبادی، ۱۴۱۵ق، ۳/ ۶۱۸) است. ملت را به اعتبار چیزی که خدا تشریح نموده است، دین نامیده‌اند با این تفاوت که دین به الله ولی ملت به انبیاء مضاف می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ۷۷۳). همچنین کاربرد قرآنی واژه ملت نشان می‌دهد در ۶ مورد با ابراهیم (ع) همنشین است که در آنها مراد روش و آئین و سنت ابراهیم (ع) است.

وَ مَنْ يَرْغَبُ عَنْ مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَنْ سَفِهَ نَفْسَهُ وَ لَقَدْ اصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ
لَمِنَ الصَّالِحِينَ (بقره / ۱۳۰)
وَ قَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصَارَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (بقره / ۱۳۵)

قُلْ إِنِّي هَدَانِي رَبِّي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ
(انعام / ۱۶۱)

قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (آل عمران / ۹۵)
وَ مَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَ هُوَ مُحْسِنٌ وَ اتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ اتَّخَذَ اللَّهُ
إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا (نساء / ۱۲۵)

ثُمَّ أُوحِيَنا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ (نحل / ۱۲۳)

نتیجه

مفسران، در دو آیه ۷۸ حج و ۷۴ انعام، در خصوص معنای واژه أَب دیدگاهی متفاوت دارند. رویکرد اغلب آنها در فهم معنای واژه در آیه ۷۴ انعام کلامی و در آیه ۷۸ حج غیر کلامی است. از

آنجا که مباحث ریشه‌شناسی در زبان‌های خانواده، با دقت بیشتری به کشف معنای واژه می‌پردازد. با استفاده از این روش، به ریشه‌شناسی واژهٔ آب در زبان‌های سامی پرداختیم تا ضمن روشن نمودن معانی دقیق واژه به معنای مورد نظر در آیات مذکور دست یابیم.

با بررسی ریشهٔ آب در ۸ زبان سامی - حامی، اکدی، عبری، سریانی، آرامی، عربی، حبشی، سبئی به وجود اشتراک معنوی و ۱۴ معنا در این واژه دست یافتیم. معنای محوری این واژه ایجاد کردن، قدرت داشتن و محور بودن است که سایر معانی با این معنا در ارتباط هستند. این معانی عبارتند از: پدرصلبی و اجداد، خدا، مؤسس و بنیانگذار، رئیس، فرمانده، حاکم، عمو، معلم، هادی، راهنما، فقیه، عالم، راهب، همسر، سرپرست، مدافع و حامی، نتیجه، خلاصه و ثمره، فامیل و خویشان، پنجمین ماه در تقویم یهود. به دلیل وجود اشتراک معنوی در واژهٔ آب و تعیین مناسب‌ترین معنای حاصل از ریشه‌شناسی در دو آیه، به قرائنی چون سیاق، سیر تاریخی واژه و ساختار همنشینی استناد نمودیم. براین اساس در آیهٔ ۷۴ انعام به معنای رئیس و بزرگ قوم و در آیهٔ ۷۸ حج به معنای بنیانگذار و مؤسس دست یافتیم.

منابع

— علاوه بر قرآن کریم؛

- 1- ابن انباری، عبدالرحمن بن محمد (۱۴۲۰ق)، *اسرار العربیة*، به کوشش برکات یوسف هبّود، بیروت، دارالارقم.
- 2- ابن اثیر، علی بن محمد (۱۳۸۵ق)، *الکامل*، بیروت، دارصادر.
- 3- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۴ق)، *الاعتقادات*، قم، کنگره شیخ مفید.
- 4- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق)، *معجم مقاییس اللغة*، به کوشش هارون عبدالسلام محمد، قم، سازمان تبلیغات اسلامی.
- 5- ابن عجبیه، احمد (۱۴۱۹ق)، *البحرالممدید فی تفسیر القرآن المجید*، به کوشش احمد عبدالله قرشی رسلان، قاهره، حسن عباس زکی.
- 6- ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰ق)، *التحریر والتنویر*، بیروت، موسسه تاریخ العربی.
- 7- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۰۷ق)، *البدایة و النهایة*، به کوشش احمد ابوملحم و دیگران، بیروت، دارالفکر.
- 8- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، *لسان العرب*، بیروت، دارصادر.
- 9- ابوزهره، محمد (بی تا)، *زهرة التفاسیر*، بیروت، دارالفکر.
- 10- ابوخلیل، شوقی (۲۰۰۳م)، *اطلس السیرة النبویة*، دمشق، دارالفکر.
- 11- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۸۵ش)، *ریشه شناسی*، تهران، ققنوس.
- 12- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق)، *تهذیب اللغة*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- 13- استرآبادی، محمد (۱۹۷۵م)، *شرح شافیة ابن حاجب*، به کوشش محمد نور الحسن و دیگران، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- 14- اشکوری، محمد بن علی (۱۳۷۳ش)، *تفسیر شریف لاهیجی*، به کوشش جلال الدین محدث، تهران، دفتر نشر داد.
- 15- آل غازی، عبدالقادر (۱۳۸۲ق)، *بیان المعانی*، دمشق، مطبعة الترقی.
- 16- آراتو، آنتونی (۱۳۸۴ش)، *درآمدی بر زبان شناسی تاریخی*، ترجمه یحیی مدرس، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- 17- بایرناس، جان (۱۳۵۴ش)، *تاریخ جامع ادیان*، ترجمه علی اصغر حکمت، بی جا، نشر پیروز.
- 18- برجستراسر، گوتهلّف (۱۹۹۴م)، *التطور النحوی للغة العربیة*، ترجمه رمضان عبدالنواب، قاهره، مکتبة الخانجی.

- 19- بروسوی، اسماعیل حقی (بی تا)، *روح البیان*، بیروت، دارالفکر.
- 20- بروکلیمان، کارل (۱۹۷۷م)، *فقه اللغات السامیة*، ترجمه رمضان عبدالتواب، ریاض، جامعه الرياض.
- 21- بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۲۴ق)، *السنن الکبری*، به کوشش محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- 22- بالمر، فرانک رابرت (۱۳۸۱ش)، *نگاهی تازه به معنی شناسی*، ترجمه کورش صفوی، تهران، نشر ماد.
- 23- تفتازانی، سعد الدین (۱۴۰۹ق)، *شرح المقاصد*، به کوشش عبدالرحمان عمیره، قم، شریف رضی.
- 24- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان*، به کوشش ابی محمد ابن عاشور، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- 25- جرجانی، عبدالقاهر بن عبدالرحمان (۱۴۳۰ق)، *درج الدرر فی تفسیر القرآن العظیم*، به کوشش محمدادیب شکور، عمان، دارالفکر.
- 26- جلیلی، مصطفی (۱۴۰۴ق)، *نهایة الاصول فی شرح کفایة الاصول*، قم، مطبعة الخيام.
- 27- جوهری، اسماعیل (۱۳۷۶ق)، *الصحاح*، به کوشش احمد عبد الغفور عطار، بیروت، دار العلم للملایین.
- 28- حویزی، عبد علی بن جمعه (۱۴۱۵ق)، *نور الثقلین*، به کوشش هاشم رسولی، قم، اسماعیلیان.
- 29- خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ق)، *التفسیر القرآنی للقرآن*، بیروت، دارالفکر العربی.
- 30- خفاجی، احمد بن محمد (۱۴۱۷ق)، حاشیه بر تفسیر بیضاوی، به کوشش عبدالرزاق مهدی، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- 31- خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *العین*، قم، نشر هجرت.
- 32- دروزه، محمدعزت (۱۴۲۱ق)، *التفسیر الحدیث*، بیروت، دارالغرب الاسلامی.
- 33- دینوری، احمد (۱۳۶۸ش)، *اخبار الطوال*، به کوشش عبدالمنعم عامر، قم، منشورات الرضی.
- 34- ذهنی تهرانی (۱۳۷۰ش)، *توضیح المبانی فی شرح مختصر المعانی*، قم، مؤلف.
- 35- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، بیروت، دارالقلم.
- 36- رضا، محمد رشید (۱۴۱۴ق)، *المنار*، بیروت، دارالمعرفة.
- 37- زحیلی، وهبه (۱۴۱۱ق)، *التفسیر المنیر فی العقیده والشریعه و المنهج*، دمشق، دارالفکر.
- 38- سبزواری، محمد (۱۴۰۶ق)، *الجدید فی تفسیر قرآن المجید*، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات.

- 39- سیرافی، حسن بن عبدالله (بی تا)، **شرح الكتاب سیبویه**، به کوشش علی سیدعلی و احمد حسن مهدلی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- 40- سیبویه (۱۴۱۲ق)، **الكتاب**، به کوشش عبدالسلام محمد هارون، قاهره، مکتبه الخانجی.
- 41- شبر، عبدالله (۱۴۱۰ق)، **التفسیر**، قم، موسسه دارالهجره.
- 42- شعراوی، محمد متولی (۱۹۹۱م)، **تفسیر الشعراوی**، بیروت، اخبارالیوم.
- 43- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق)، **الفرقان**، قم، فرهنگ اسلامی.
- 44- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- 45- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت، دارالمعرفه.
- 46- _____ (۱۳۸۷ق)، **تاریخ الأمم و الملوک**، به کوشش محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث.
- 47- طبرانی، سلیمان بن احمد (۲۰۰۸م)، **التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم**، اردن، دارالکتب الثقافی.
- 48- _____ (بی تا)، **المعجم الکبیر**، قاهره، مکتبه ابن تیمیه، به کوشش حمدی بن عبد المجید السلفی.
- 49- طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ش)، **مجمع البحرین**، به کوشش احمد حسینی اشکوری، تهران، مرتضوی.
- 50- طوسی، محمد بن حسن (بی تا)، **التبیان**، به کوشش احمد حبیب عاملی، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- 51- _____ (۱۴۱۴ق)، **الامالی**، قم، دارالثقافه.
- 52- طنطاوی، سید محمد (۱۹۹۷م)، **التفسیر الوسیط للقرآن الکریم**، قاهره، نهضة مصر.
- 53- عبدالنواب، رمضان (۱۳۶۷ش)، **مباحثی در فقه اللغة و زبان شناسی عربی**، ترجمه محمدرضا شیخی، مشهد، معاونت فرهنگی آستان قدس.
- 54- علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۹۸۲م)، **نهج الحق و کشف الصدق**، بیروت، دارالکتب اللبنانی.
- 55- عیاشی، محمد (۱۳۸۰ق)، **تفسیر**، تهران، مکتبه العلمیه الاسلامیه.
- 56- فضل الله، محمدحسین (۱۴۱۹ق)، **من وحی القرآن**، بیروت، دارالملاک.
- 57- فهمی حجازی، محمود (بی تا)، **مدخل الی علم اللغة**، قاهره، دارقبا.
- 58- فیروزآبادی، محمدبن یعقوب (۱۴۱۵ق)، **القاموس المحيط**، بیروت، دارالکتب العلمیه.

- 59- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق)، *الصادق*، تهران، مکتبه الصدر.
- 60- فیومی، احمد (۱۴۱۴ق)، *المصباح المنیر*، قم، دارالهجره.
- 61- قطب، سید (۱۴۲۵ق)، *فی ظلال القرآن*، بیروت، دار الشروق.
- 62- قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳ش)، *التفسیر*، به کوشش طیب موسوی جزایری، قم، دارالکتاب.
- 63- قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۶۸ش)، *کنزالدقائق و بحر الغرائب*، به کوشش حسین درگاهی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاداسلامی.
- 64- کتانی، محمد بن جعفر (بی تا)، *نظم المتناثر من الحدیث المتواتر*، مصر، دارالکتب السلفیه.
- 65- گیرتس، دیرک (۱۳۹۸ش)، *نظریه‌های معنی‌شناسی واژگانی*، ترجمه کوروش صفوی، تهران، نشر علمی.
- 66- ماتریدی، ابومنصور محمد (۱۴۲۶ق)، *تأویلات اهل السنه*، به کوشش مجدی باسلوم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
- 67- مدرسی، محمد تقی (۱۴۱۹ق)، *من هدی القرآن*، تهران، دارمحبی الحسین.
- 68- مشکور، محمد جواد (۱۳۵۷ش)، *فرهنگ تطبیقی عربی با زبان‌های سامی و ایرانی*، تهران، بنیاد فرهنگ ایران.
- 69- مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴ق)، *التفسیر الکاشف*، قم، دارالکتب الاسلامیه.
- 70- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۴ق)، *تصحیح اعتقادات الامامیه*، به کوشش حسین درگاهی، قم، کنگره شیخ مفید.
- 71- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۱ش)، *تفسیرنمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- 72- موسوی بجنوردی، سید محمد کاظم (۱۳۶۷ش)، *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*، مقاله «آب» آذرتاش آذرنوش؛ تهران، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- 73- میدانی، عبدالرحمان حسن عینکه (۱۳۶۱ش)، *معارض التفكير و دقائق التدبر*، دمشق، دارالقلم.
- 74- نهاوندی، محمد (۱۳۸۶ش)، *نفحات الرحمان فی تفسیر القرآن*، قم، موسسه البعثة.
- 75- نووی، محمد بن عمر (۱۴۱۷ق)، *مراح لبید لکشف معنی القرآن المجید*، به کوشش محمد امین ضناوی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- 76- نیل ساز، نصرت، دهقان، علی (۱۳۹۶ش)، «ریشه‌شناسی واژه قرآنی حمد، با استفاده از منابع زبان‌های سامی»، *پژوهشنامه تفسیر و زبان قرآن*، شماره ۱۰.
- 77- ولفنسون، اسرائیل (۱۳۴۸ق)، *تاریخ اللغات السامیه*، مصر، الاعتماد.

78- Benner. Jeff A, *The Ancient Hebrew Lexicon of the Bible*, 2005

79- Beeston A. F. L., *Sabaic Dictionary*, Beirut. 1982

- 80- Black, J. & George, A. & Postgate, N, *A Concise Dictionary of*
- 81- *Akkadian*, Otto Harrassowitzverlag & Wiesbaden, 2000
- 82- Costaz, Louis, *DictionariSyriaque – Francais/ Syriac - EnglishDictionary*, Beirut: Dar El-Machreq, 2002
- 83- Dolgopolsky, Aharon, *Nostratic Dictionary*, university of Cambridge, 2008.
- 84- Gesenius, William, *A Hebrew and English Lexicon of the Old Testament*, ed. F. A. Brown, London: Oxford, 1939.
- 85- Jastrow, Marcus, *A Dictionary of the Targumim*, London: New York. 1903
- 86- Leslau, Wolf, *Comparative Dictionary of Geez*, Otto Harrassowitz & Wiesbaden, 1991.
- 87- Orel, Vladimir & Stolbova, Olga), *Hamito-Semitic Etymological*
- 88- *Dictionary*, Leiden: New York, 1995.
- 89- O'Leary, De Lacy, b. 1872, *Comparative Grammar of the Semitic Languages* (1923), London K. Paul, Trench, Trübner
- 90- Skolnik. Fred., *ENCYCLOPAEDIA JUDAICA*, 2nd ed.